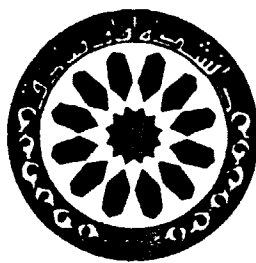


بسم
الرحمن الرحيم

۲۵۴۷۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه امام صادق (ع)

شماره ثبت ۸۴
شماره ۱۴



۱۳۷۸ / ۵ / ۲

دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و حقوق

گرایش / شاخه خصوصی

مرکز اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

حقوق مالی زوجه در طلاق از دیدگاه حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق مصر

پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته

استاد راهنما: جناب آقای دکتر اسداله امامی

استاد مشاور: جناب آقای دکتر حسین مهرپور

نگارش از: سید مهدی جلالی

شماره دانشجویی: ۷۰۳۰۴۳۵۴۵

تاریخ: ۷۷/۲/۱

۲۵۴۷۴

۱۳۸۵/۱۲

دانشکده معارف اسلامی و حقوق مسؤول عقایدی که نویسنده در

این پایان نامه اظهار نموده است، نمی باشد.

هر نوع استفاده از این اثر منوط به اجازه کتبی از دانشگاه می باشد.

چکیده پایان نامه

موضوع: حقوق مالی زوجه در طلاق از دیدگاه حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق مصر.

در پایان نامه از بحث می‌کنیم که آیا زوجه پس از سالها زندگی مشترک با همسر خود با وقوع طلاق و آینده تاریکی از جهت مالی برای او ایجاد خواهد شد، می‌توان دارای حقوقی باشد که وضعیت مالی وی را تا حدودی تغییر و بهبود بخشد؟ خصوصاً که وی در محیط خانواده زحمات زیادی را متحمل شده است که در واقع شرعاً ملزم به انجام آن نبوده است. برای پاسخ به این سؤال پایان نامه را به چهار بخش تقسیم نموده ایم:

۱- حقوق مالی مذکور در تبصره ۶ ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق. که عبارتند از اجرة المثل کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده است، و اگر چنمین حقی را به علت عدم تحقق شرایط ویژه و مشکلی که قانونگذار بیان کرده است نتوان به اثبات رساند نوبت به نحله (بخشش) می‌گردد که به نظر دادگاه و با توجه کارهایی که زوجه در خانه زوج انجام داده و سئوالات زندگی مشترک و وسع مالی زوج تعیین می‌گردد.

۲- نفقه دوران عده که فقط در مورد طلاق رجعی قابل وصول است، همچنین در مواقعی هم که طلاق با تن بوده و زن حامل می‌باشد و نیز این نفقه به زوجه تعلق می‌گیرد.

۳- تنصیف دارائیهای که زوج در زمان زندگی مشترک با زوجه بدست می‌آورد. این امر در صورتی مسیر است که زوج و زوجه در طی مشروط ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم دیگری چنین توافقی کرده باشند.

۴- مقرری ماهانه: در صورتی که طلاق به تقصیر زوج باشد (چه زوجه تقاضای طلاق کند و چه زوج). دادگاه باید با درخواست زوجه مقرری ماهانه‌ای را با توجه به وسع مالی زوج و نیاز زوجه برای او در نظر بگیرد. که این مقرری قابل کاهش و قطع شدن است.

ضمناً سعی شده است در موارد مختلف حقوق مصر در این زمینه نیز مورد بررسی قرار گیرد.

والسلام

خلاصة الرسالة العلمية

الموضوع: الحقوق المالية للزوجة اثناء الطلاق من وجهة نظر القانون الايرانى و مقايسة بالقانون المصرى.

فى هذه الرسالة العملية سيتم الحث هل للزوجة المطلقة حقوق مالية تساعد فى حياتها الصعبة و القاسية و التى تساهم بدورها فى اعانتها فى الحياة فى ظل النتائج السلبية الناتجة عن الطلاق و بالخصوص كانت قد عاشت محيط الأسرة و تحملت اعبائها المدة الطويلة التى لم تكن ملزمة بها شرعاً . و لأجل هذا قسمت هذه الرسالة الى اربعة اقسام:

١- الحقوق المالية المذكور فى البد اسادس من المادة الأحادية قانون اصلاح المقررات المربوطه بالطلاق و التى تشمل : الف) الأجرة المثل للأعمال التى قامت بها الزوجة بخدمة زوجها فى مقابل الأعمال التى قامت بها الزوجة. ب) نحلة و بانظر الى الأعمال التى تقوم بها الزوجة لزوجها و قضاء سنوات مع بعضها البعض والسعة المالية للزوج.

٢- النفقة فى مدة العدة التى يتم وصولها فى الطلاق الرجعى و ايضاً فى المواد التى تكون للمطلقة الحاملة.

٣- قسمت الثروة الموجودة اثناء الحياة الزوجية و هذا يتم عندما يكون قد شرط فى عقد الزوج او عقد خارجى آخر.

٤- الراتب الشهري: و هذا يتم عندما يكون الطلاق حاصل من تقصير الزوج سواء كانت الزوجة ام الزوج طالبى الطلاق و المحكمة يجب أن تقرر الراتب الشهري مع مراعات الوضع المالى للزوجة و حاجاتها حيث ان هذا الراتب قابل للتقليل والقطع علماً بأنه تم السعى لذكر الحقوق المصرية فى هذا المجال و فى موارد متعددة المربوطه.

La resume

le droit patrimonial decoulant du mariage de l'époux, de point de vue le droit iranien et sa comparaison avec le droit égyptien.

cette mémoire de thèse a l'intention de préciser à cette question, et - ce que l'époux a de droit patrimonial après la répudiation? le droit patrimonial qui peut améliorer la situation de l'épouse après le divorce.

en particulier quelle soit dans la maison de l'époux de travailler, alors quelle n'était pas juridiquement contrainte à le faire.

or, cette mémoire se divise en 4 parties:

1. le droit patrimonial (alinéa 6 de la loi d'amélioration de la disposition de la répudiation) comprend la juste rémunération de l'affaire que l'époux avait faite dans la maison de l'épouse.

2. la dotation (Nekdah) qui se détermine d'après le cout et conformément à l'affaire quelle a faite pendant la vie commune

3. entretien de l'épouse (Nafaka) qui est recevable, seulement dans la période de viduité dans la répudiation révocable et également dans la répudiation irrévocable à l'exception de l'épouse.

4. La division en deux parties égales, des biens que l'époux a gagnés pendant la vie commune, en l'absence d'une clause dans le contrat de mariage.

5. la pension mensuelle dans le cas de faute de l'époux.

en surveillance de cour.

cette pension peut réduire ou réintégrer d'après le cout.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه :	۱
بخش اول : حقوق مالی مذکور در تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق	۸
مبحث اول : کلیات	۹
گفتار اول : مفهوم اجرة المثل و نحلة	۱۰
بند اول : مفهوم اجرة المثل	۱۰
بند دوم : مفهوم نحلة	۱۱
گفتار دوم : سابقه قانونی	۱۵
گفتار سوم : کارهایی که شرعاً به عهده زوجه نیست	۲۰
مطالعه تطبیقی :	۲۵
مبحث دوم : شروط تحقق حقوق مالی مذکور در تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات	۲۶
گفتار اول : شروط مشترک تحقق اجرة المثل و نحلة	۲۷
بند اول : زوجه درخواست اجرة المثل نماید	۳۰
بند دوم : عدم تصالح زوجین در تعیین اجرة المثل و فقدان شرط مالی ضمن عقد	۳۳
بند سوم : طلاق به درخواست زوجه نباشد	۳۴
بند چهارم : طلاق ناشی از تخلف زن از تمکین خاص نباشد	۳۷
بند پنجم : طلاق ناشی از تخلف زن از تمکین عام نباشد	۴۸
گفتار دوم : شروط اختصاصی تحقق اجرة المثل	۷۰
بند اول : اثبات انجام کار به دستور زوج	۷۱
بند دوم : اثبات عدم قصد تبرع در انجام کار	۷۳
گفتار سوم طرق تعیین اختصاصی تحقق نحلة	۸۰

۸۳	مبحث سوم : طرق تعیین مقدار اجرة المثل و نحلة
۸۴	گفتار اول : طرق تعیین مقدار اجرة المثل
۸۴	بند اول : تصالح
۸۶	بند دوم : عمل به شروط مالی ضمن عقد
۹۰	بند سوم : محاسبه اجرة المثل کارهای انجام شده توسط زوجه
۹۱	گفتار دوم : طریقه تعیین مقدار نحلة
۹۴	مطالعه تطبیقی :
۹۵	بخش دوم : نفقه دوران عده
۹۶	مبحث اول : کلیات
۹۶	گفتار اول : نفقه
۹۶	بند اول : مفهوم نفقه
۹۷	بند دوم : مبنا و ماهیت نفقه
۱۰۳	مطالعه تطبیقی
۱۰۵	بند سوم : ارکان و شرایط نفقه
۱۰۵	ارکان نفقه
۱۱۱	مطالعه تطبیقی
۱۱۳	شرایط نفقه
۱۱۵	مطالعه تطبیقی
۱۱۷	گفتار دوم : عده و انواع آن
۱۱۷	بند اول : مفهوم و مبنای عده
۱۱۹	بند دوم : انواع عده
۱۲۴	مطالعه تطبیقی
۱۲۶	مبحث دوم : نفقه زوجه در انواع عده طلاق

گفتار اول : عده طلاق رجعی	۱۲۶
گفتار دوم : عده طلاق بائن	۱۳۵
مطالعه تطبیقی	۱۳۹
مبحث سوم : ضمانت اجرای عدم پرداخت نفقه دوران عده	۱۴۲
گفتار اول : ضمانت اجرای حقوقی	۱۴۲
گفتار دوم : ضمانت اجرای کیفری	۱۴۵
مطالعه تطبیقی	۱۴۸
بخش سوم : شروط ضمن عقد	۱۵۰
مبحث اول : کلیات و طرح بحث	۱۵۱
مبحث دوم : شرط تنصیف دارئیهای زوج :	۱۵۷
گفتار اول : شرایط تحقق شرط	۱۵۷
گفتار دوم : اموالی که طبق شرط تنصیف دارائی به زوجه تعلق می گیرد	۱۵۸
گفتار سوم : اشکالات وارد بر این شرط	۱۶۰
مطالعه تطبیقی	۱۶۳
بخش چهارم : مقرری ماهانه	۱۶۶
مبحث اول : کلیات	۱۶۷
گفتار اول : ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده و حکم آن در وضع کنونی	۱۶۷
گفتار دوم : مفهوم مقرری و مبنای حقوقی آن	۱۶۹
مبحث دوم : شرایط الزام به پرداخت مقرری	۱۷۱
مبحث سوم : تغییرات مقرری پس از طلاق	۱۷۳
مطالعه تطبیقی :	۱۷۴
منابع و مآخذ	۱۸۱
منابع فارسی :	۱۸۲

١٨٥ منابع عربی :

١٨٨ مقالات

اول دفتر به نام ایزد دانا

صانع و پروردگار حی توانا

مقدمه :

بس که می ترسم از جدائیهها می گریزم از آشنائیهها

خانواده به عنوان رکن و اساس هر جامعه ای پیوسته مورد توجه بوده و در طی قرون نه تنها از اهمیت آن و تأثیرش بر جامعه کم نشده است، بلکه به لحاظ طبیعت آن و ارتباطی که با جامعه دارد هر روز این اهمیت پررنگ تر شده و بیشتر رخ می نماید. به راستی چنین است، خانواده آئینه تمام نمای جامعه است، چرا که این نهاد مقدس به سان سلول یک بدن است، و همانطور که صحت و سلامت و بالندگی سلولها موجب سلامت و رشد و بالندگی بدن می گردد و بالعکس، وجود ضعف و اشکال در آنها موجب اختلال در بدن است، تغییرات و حالات مختلف خانواده نیز تأثیر مستقیم بر جامعه می گذارد. کیست که انکار کند، نوایغ، مخترعان و تأثیرگذاران بر اجتماع را خانواده ها به جامعه هدیه نکرده اند و کیست که تأثیر هنجار شکنان بر جامعه را نپذیرد و از نقش خانواده در تربیت این افراد غافل باشد.

پس حال که رشد و بالندگی و سلامت خانواده سبب رشد تعالی جامعه می گردد. حفظ و بقا و کمک به اکمال آن بر همه، خصوصاً دولتمردان و قانونگذاران واجب است، اماگاهی اوقات با هیچ تدبیری نمی توان و نباید زن و مرد را وادار به زندگی مشترک در زیر یک سقف نمود. چرا که در خانواده، حرف اول را تفاهم و گذشت و محبت می زند و وجود چنین عواملی است که به آن قوام بخشیده و سبب می گردد هدف تشکیل خانواده به منصف ظهور برسد. و فقدان این عوامل نه تنها اثر مثبتی بر حیات خانواده ندارد بلکه سبب بروز تأثیرات منفی بر فرزندان و حتی زوجین شده و این امور خواه نا خواه بر اجتماع تأثیر گذار خواهد بود که بحث از آنها در حوصله این وجیزه نیست.

لذا علیرغم تبعات و ضایعاتی که طلاق در جامعه ایجاد می کند، بهتر است برای دفع افسد، فاسد را پذیرا شد و به همین دلیل است که اسلام علیرغم تمامی مخالفتی که با این تأسیس حقوقی دارد و آن را (ابغض الحلال الی الله) می داند حکم به جواز آن داده است و به همین خاطر،

شرایط، تشریفات و مسائل مربوط به آن را به تفصیل بیان کرده و مشخص نموده است، و به این دلیل که احکام اسلام کامل بوده و تمامی نیازهای اجتماعی انسان را برآورده می‌کند، در این خصوص نیز احکام به صورتی تنظیم شده‌اند که از طرفی کمترین ضایعه از جدایی زوجین به وجود آید و از طرف دیگر عدالت نیز بین طرفین رعایت گردد و در این خصوص احکام مربوط به وضعیت مالی زوجه پس از طلاق و رابطه‌ای که به این سبب بین زوجین موجود است به نوعی برجسته‌تر ظاهر می‌گردد و ما برای آن تا در این تحقیق به این موضوع و حقوق مالی که زوجه پس از حصول طلاق صاحب آن می‌شود پردازیم و برای تبیین موضوع و آنچه در این تحقیق مد نظر می‌می‌باشد لازم است موارد زیر مورد بررسی قرار گیرد:

الف: موضوع تحقیق:

همانطور که عنوان شد در اسلام طلاق پذیرفته شده و مسائل مربوط به آن به تفصیل بیان شده است و چون حقوق ایران به خصوص در این مورد ملهم از حقوق اسلام بوده و تحت تأثیر کامل فقه شیعه می‌باشد، لاجرم این مسائل در حقوق ایران نیز مطرح می‌گردد، و یکی از مهمترین این مسائل بررسی جنبه‌های مالی طلاق است، پاسخ به سؤالاتی از قبیل اینکه آیا زوجه با وقوع طلاق حاصلی از زندگی مشترک و زحماتی که در خانه شوهر متحمل شده است دارد؟ و اگر چنین است این حقوق کدامند، و شرایط تحقق آنها چیست؟ آیا تقصیر زوجه در وقوع طلاق می‌تواند تأثیری در گرفتن حقوق او داشته باشد؟ آیا اینکه زوجه نفاضای طلاق کند چه تأثیری بر حقوق مالی او خواهد داشت؟ ضمانت اجرای عدم پرداخت حقوق مالی زوجه چیست آیا چنین حقوقی در کشورهای دیگر اسلامی و فرق دیگر اسلام موجود است، و اگر چنین است آیا تفاوتی بین شرایط آنها وجود دارد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، این تفاوتها از چه قرار است؟ و سؤالاتی از این قبیل موضوعی را فراروی ما قرار می‌دهد که تحت عنوان:

(حقوق مالی زوجه در طلاق در حقوق ایران و مقایسه آن با حقوق مصر) قابل بررسی

می‌باشد.

ب: اهداف تحقیق: اهداف این تحقیق را می‌توان در امور زیر خلاصه نمود.

۱- اهداف نظری که عبارتند از:

- اثبات وجود حقوق مالی برای زوجه با وقوع طلاق در فقه شیعه و حقوق ایران و

فقه سنی

- بررسی فقهی و قانونی این حقوق و اثبات حقانیت زن در تملک حقوق مالی

- کشف و بیان نواقص قانونی در جهت احقاق حقوق حقه زوجه در طلاق

- ارائه راه حل برای تحقق نيات قانونگذار در جهت حمايت از زنان مطلقه .

۲- اهداف کار بردی :

استفاده قانونگذار برای رفع نواقص قانونی و تدوین و تصویب قوانین کاملتر و بی عیب و

نقص در جهت حاکمیت عدالت و جلوگیری از ورود اجحاف و بی عدالتی بر زنان .

- استفاده محققین ، پژوهشگران و اساتید دانشگاهها و دانش پژوهان برای تکمیل این

بحثها و ارتقاء نظریات حقوقی در این زمینه

ج : دلایل انتخاب موضوع و ضرورت انجام تحقیق پیرامون آن :

بی تردید مسائل اقتصادی از مهمترین دل مشغولیهای افراد ای زندگی است ، و بی شک زنان مطلقه که باید پس از جدائی از همسر خود به تنهایی به زندگی خود ادامه دهند ، مشکلات بیشتری را در این خصوص در پیش رو دارند ، به علاوه زحماتی که این افراد در طول زندگی مشترک در خانه شوهر کشیده اند نباید بدون اجر و مزد بماند . لذا حقیر که چند سال در دادگاه خانواده به کارآموزی اشتغال داشته و در همان زمان به عنوان مشاور حقوقی ، در خدمت مردم بودم ، و به کرات اجحاف و بی عدالتی که بر زنان تحمیل می شد ، شاهد بودم ، در این میان نقش قانون را به دلیل نواقص فاحشی که در آن موجود است ، بیشتر از هر عامل دیگری جلوه گردیدم . بنابراین از همان آغاز مصمم شدم در این خصوص تحقیقی جامع و کامل با استفاده از منابع فقهی و حقوقی ارائه داده و نواقص قوانین را بصورتی بیان نموده و راه حل مقتضی را ارائه کنم ، تا بلکه کمکی هر چند کوچک در جهت احقاق حقوقی که قانونگذار برای زنان در نظر داشته است و به علت نقص در قانونگذاری موفق به نیل به آنها نشده است نموده باشم .

د: ویژگیهای تحقیق:

۱- توجه به هر دو جنبه نظری و عملی موضوع: در این خصوص سعی شده است علاوه بر طرح مباحث نظری و تحلیل موضوعات و مسائل مربوط به هر بحث و استفاده از نظریات حقوقدانان و فقهاء از رویه قضائی و آرائی که در هر یک از موضوعات در دادگاههای بدوی یا تجدید نظر و یا دیوان عالی کشور صادر شده است غافل نباشیم، همچنین به علت اینکه حقیر در گیر با این مسائل بودم، در عمل با نکات و سوالات متفاوتی برخورد می نمودم که تمامی آنها را ثبت و ضبط نموده ام و در مواقع به خصوص و مرتبط با هر بحثی این سوالات را مطرح کرده و تا حد امکان پاسخ آن نیز درج شده است، لذا جنبه عملی این تحقیق به نسبت قوی بوده و از این نظر قابل دفاع می باشد.

۲- توجه به مبانی فقهی:

با عنایت به اینکه، فقه شیعه در تمامی مسائل حقوقی ایران خصوصاً ازدواج و طلاق رسوخ کرده و با توجه به اینکه نظریات فقهای شیعه و استدلالات ایشان در اثبات و تبیین موضوعات، بسیار دقیق و دقیق بوده است استفاده از نظر آنها و مقایسه آن با قانون مدون و نظریات حقوقدانان به عنوان یکی از عوامل غنای تحقیق مد نظر بوده و در تمامی مباحث از این نظریات استفاده شده است.

۳- توجه به حقوق خارجی و مطالعه تطبیقی:

از آنجائی که مطالعه حقوق دیگر کشورها و یافتن راه حلهای مناسب و قابل اجرا برای حل معضلات اجتماعی هر کشور یکی از راه حلهای قانونگذاری صحیح و موثر است و در واقع استفاده از تجربیات دیگر جوامع می باشد و با عنایت به اینکه فقهای اهل تسنن خصوصاً در فقه حنفی دارای نظرات پیشرفته و استدلالات قوی هستند و با توجه به اینکه ساختار حقوق مصر به علت مسلمان بودن این کشور با حقوق ایران تقریباً همسانی دارد، در تحقیق سعی شده است مطالعه ای هم در کتب این کشور شده و راه حلهای حقوقی آنها را نیز بیان نمائیم تا خواننده خود به مقایسه این دو حقوق بپردازد و لاجرم در صورت استفاده قانونگذاران، اگر مواردی مناسب

تشخیص داده شد آنها را در قانونگذارهای جدید خود مد نظر قرار دهند.

۴- سهولت در نوشتار:

در تحقیق سعی شده است به صورت ساده و روان و بدور از تکلف، مطالب ارائه گردد تا جاییکه هم اهل نظر و متخصصین این علم و هم کسانی که با اصطلاحات و غوامض حقوق آشنائی ندارند بهره ای وافى از مطالعه آن ببرند.

ه: روش تحقیق: تحقیق به روش کتابخانه ای و استفاده از فیش به انجام رسیده و سعی شده است حداکثر استفاده از مقالات، کتب فقهی، حقوقی و رویه قضائی به عمل آید.

و: تاریخچه موضوع: سابقه حقوق مالی زوجه در طلاق به تاریخ تصویب قانون مدنی، در خصوص اشخاص یعنی سال ۱۳۱۴ بر می گردد، این قانون در ماده ۱۱۰۹ اشعار می دارد:

(نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است)

ماده فوق الذکر تا سال ۵۳ و با تصویب قانون حمایت خانواده، تنها ماده ای بود که برای حقوق مالی زوجه تعیین تکلیف کرده بود اما با تصویب ماده ۱۱ قانون اخیر گامی دیگر در جهت افزایش حقوق مالی زنان در طلاق برداشته شد، این ماده اشعار می دارد:

(دادگاه می تواند به تقاضای هر یک از طرفین در صورتی که صدور گواهی عدم امکان سازش مستند به سوء رفتار و قصور طرف دیگر باشد او با توجه به وضع و سن طرفین و مدت زناشویی به پرداخت مقرری در حق طرف دیگر محکوم نماید)

پس از آن شورای عالی قضائی در سال ۱۳۶۱ اقدام به ثبت و گنجاندن شرطی در قبالة نکاح نمود که به موجب آن در صورتی که مرد بدون عذر موجه اقدام به مطلقه نمودن همسرش نماید باید تا نصف دارائیهائی که در زمان زوجیت بدست آورده است را مجاناً به زن تملیک نماید این شرط در صورت پذیرش مرد قابل اجرا می باشد.

آخرین اقدام قانونگذار در این جهت در سال ۱۳۷۱ و با تصویب تبصره ۶ قانون اصلاح قوانین مربوط به طلاق بود که مقرر می داشت در صورت وقوع طلاق ممکن است که زن و مرد با یکدیگر توافق کنند که مرد اجرةالمثل کارهائی را که زوجه در خانه او انجام داده است به او بدهد